یادداشت میهمان

## طمع و طعمه

**محمدهادی صحرایی**

...فَاللهُ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ وَ لَنْ یَجْعَلَ اللهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً[۱]

**دو هفته از جنایت هولناک جنایتکاران ضدانقلاب، در کشتار مردم بی‌گناه اهوازی می‌گذرد. جنایتی که با همدستی آمریکا و اذنابش رقم خورد و عده‌ای اوباش و بی‌خبر از عقل و منطق و عاجز از استدلال، آن‌را اجرا کردند. آنها مثل ترسوها، از پشت حمله کردند و مردم بی‌گناه را کشتند و کودک چهار ساله را و جانباز هفتاد درصد ویلچرنشین را که نمی‌توانستند فرار کنند. این جنایت را از آل‌سعود و صهیون یادگرفته‌اند که کودک می‌کشند. حمله شجاعانه گاو شیرده سعودی به ۵۲ کودک مدرسه‌ای، شلیک مستقیم به الدُرّه در فلسطین، تصاویر زنده‌سوزی دیویدیان آمریکا با کودکان شیرخوارشان را دیده‌اید؟ اینها مثل یزید، برای کشتن علی‌اصغرها، تک تیراندازِ استخدام می‌کنند و عباس‌ها را از پشت و پشت نخل، تیر می‌زنند. اصلاً اگر کربلا نبود، ما در تفسیر و تصویر تاریخ ناتوان بودیم. اگر چراغ کربلا روشن نبود، کتاب تاریخ، خوانده نمی‌شد و عبرت‌ها گرفته نمی‌شد. چگونه می‌شد یزیدیان را شناخت و دردشان را فهمید. دنیا، نیرنگ بسیار دارد و شیطان فریبِ بسیار.**

**هنوز محرم است و از سال ۶۱ تاکنون و تا قیامت ادامه دارد. محرم نباید و نمی‌شود تمام شود چراکه یکی از دلایل ماندگاری آن نیز داشتن همین ویژگی روشنگری و جداکنندگی حق از باطل است. خوب معرکه‌ای است و باید باشد تا ایمان‌ها آزمایش گردد «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟»[۲] باید مرد از نامرد و مؤمن از مدعی جدا شود و شهید در اعلی درجه خود باشد و جلاد، در درک اسفل خود بیفتد وگرنه هم حسین نماز می‌خواند و هم ابن زیاد و ابن سعد و شمر و.... هم زهیر متمول بود و هم عبدالله بن حر. کربلا نشان‌دهنده این واقعیت است که در دنیا دو عقیده حاکم است. حسینی و یزیدی. آنکه کودکان بی‌گناه می‌کشد یزیدی و لعنتی است. خواه حرمله باشد یا آمریکا یا آل‌سعود یا اسرائیل یا منافق یا داعشی یا بوکوحرامی یا بودایی یا «فرقه الاحوازی». و آنکه مردانه می‌رزمد و در میدان می‌جنگد و ظالم را جِرکش می‌کند، حسینی است. خواه عباس باشد، یا بسیجیان خمینی یا حزب‌الله لبنان یا انصارالله یمن یا حشدالشعبی یا فاطمیون یا زینبیون یا علویون یا... یا قاسم سلیمانی.**

**مردم! هنوز در محرمیم. دشمن هم همین‌طور. مگر هنوز یزید، شیطان بزرگ نیست؟ مگر بنی‌اسرائیل، پشتِ کار نیست؟ مگر لشکر یزید، لبریز از کورانی که فرق نور و ظلمت را نمی‌دانند، نیست؟ مگر بنگاه‌های دروغ‌پراکن و شایعه‌ساز یزید، عقل‌ها را به بردگی و فهم‌ها را به کوری نکشانده است؟ مگر هنوز رسانه‌های مرجف و مزدور، شیطان بزرگ را بزک نمی‌کنند و حسینیان را تکفیر و تحریم؟ و مردم را از ارتش خیالی شام نمی‌ترسانند؟ از دوگانه مجعولِ جنگ و صلح؟ و از قحطی؟ مگر نمک‌نشناسان به دشمنان قول پنهانیِ نداده‌اند؟ مگر برخی به‌جای ملک ری، قول صندلی نمی‌گیرند؟ مگر عده‌ای با پول و پیشنهاد، دهان نمی‌بندند؟ و شرف به حزب نمی‌فروشند؟ مگر گروهی با احتکار غذا و دارو، مظلوم‌کشی نمی‌کنند؟ مگر هنوز پَست فطرتان نفوذی، نشانی فرات را به یزید نمی‌دهند؟ مگر گفته آنها که هم گوشواره می‌کنند و هم گریه می‌کردند و می‌گفتند «اگر من نبرم دیگران می‌برند» شعار امروز برخی گرانفروشان و کم‌فروشان نیست؟ مگر کسانی با تنبلی و کم‌کاری و بدکاری و بی‌عاری و بی‌کفایتی، آبروی نظام شریف و شیعه جمهوری اسلامی را نمی‌برند؟ مگر برخی خواص، رأی و نظر خود را در لابی‌ها و راهروها به مزایده نمی‌گذارند؟ تا امان نامه شمر را به عباس بدهند؟ و پیشنهاد تسلیم و بیعت با یزید را به حسین؟ پیشنهاد خلع سلاح؟ و ذلت؟ هیهات منّاالذله.**

**کربلا چرا باید تمام شود؟ باید بماند تا بدانیم اگر شب عاشورا چراغ بصیرت کم فروغ شد، چه کسانی به هزار و یک عذر بدتر از گناه، یوسف فاطمه را با بیابان و گرگ‌ها تنها می‌گذارند. کربلا باید بماند تا ما دردِ بریدگان را بفهمیم، درد رفیقان نیمه راه را، طمع‌کردگان به ملک ری را، دِین به دینار دادگان را، شریح قاضی را، شمر را، خولی را، کوفیان را، سجاده‌نشینانِ ساکت را، یوسف فروشان را، سیاست بازان حرفه‌ای را، کاسبان جهل و شایعه را و در یک کلام درد یزیدیان را. اصلاً چرا تا به حال کسی نپرسیده چرا حرمله با سه تیر سه شعبه به کربلا آمد؟ اصلاً برای چه آمد؟ یکی برای ملک ری بود و یکی برای تأسیس عشرتکده در کوفه، یکی حسین و شرف خود را با سی هزار دینار عوض کرد، یکی با کمی بالاتر از همین مظنه، حکمِ ارتداد حسین را به یزید داد، یکی از ترس تأسیس حکومت حسینی، گلّه‌ای کافر، «بُغضاً لِعَلی بن ابی‌طالب» را بهانه کردند. حرمله چرا آمد؟ شبث چرا؟ اصلاً قاتل محمدطه چه انگیزه‌ای داشت؟ تروریست‌های انتحاری و انغماسی، از تیراندازی و کشتارِ بی‌هدف و کور مردم، چه هدفی دارند؟ آنکه ۵۲ کودک یمنی را جزغاله کرد، فکر که نداشت، پس چه خیالی داشت؟ مجاهد خلق و داعش و النصره و بودایی، از زنده سوزاندن کودکان و سر بریدن آنها، چه هدفی دارند؟ و از کجا به اینجا رسیده‌اند؟ و در یک کلام، به طمع چه چیزی چنین می‌کنند؟ طمع.**

**این طمع چیست که از معاویه زیرکِ ظاهرساز تا یزید احمقِ بوزینه باز را به خود مشغول کرده است و در طول تاریخ و بین این دو مصداقِ آشکار، هزاران گونه شبیه به انسان، فریب خورده آن هستند و هر کدام به شیوه‌ای عمل خود را توجیه می‌کنند و عمده آنها با توجه به انکار یا اظهارشان، خود می‌دانند که هدف اصلی و نیت واقعی شان کدام است. برخی هم که بصیرت و ذکاوتی برای امور ندارند و مسئولیت‌های مهم پذیرفته‌اند، زمام تصمیمات خود را به جای عقل و تدبیر، به غریزه سپرده‌اند. مدیریت غریزی. اینها «کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.»[۳] در ماهیتِ این دو گروه عامد و جاهل هیچ تفاوتی وجود ندارد چرا که هر دو به یک اندازه به اجتماع ضربه می‌زنند، یکی با خیانت خود و دیگری با جهالت خود. هر دو خائنند. یکی عمدی خیانت کرده و دیگری عمدی مسئولیت را پذیرفته. دلایل اصلی شکستِ جنگ به آستانه پیروزی رسیده صفین، اولِ جهل و لجبازی خوارج بود و بعد از آن، مکر و نیرنگ عمرو عاص و نهایتاً حماقت و جهل ابوموسای‌اشعری. و این سه لعنتی، دست به دست هم دادند و تدبیر را از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام گرفتند و خود علی را مقصر کردند.**

**هر طمعی را طعمه‌ای مخصوص است و هر نفْسی را هوایی در سر. به همین دلیل است که همان امیرالمؤمنین علی، به حاکم خود در آذربایجان نوشت «پَست فرمانروایی ات طعمه تو نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو و از تو خواسته اند که فرمانبردار کسی باشی که فراتر از توست.تو را نرسد که خود هر چه خواهی رعیت را فرمان دهی. یا خود را درگیر کاری بزرگ کنی، مگر آنکه دستورِی به تو رسیده باشد. در دستان تو مالی است از اموال خداوند عزّوجل و تو خزانه دار هستی.»[۴] کسالت امروز اقتصاد ما ریشه‌ای در غفلت از همین توصیه دارد. اگر گروهی لجباز ۵ سال از عمر مسلمین را صرف تجربه تجربه شده‌ای نمی‌کردند و به حرف بزرگتر و عاقلان توجه می‌کردند و در مجلس هم ظرف ۲۰ دقیقه آنرا تصویب نمی‌کردند و کسانیکه وظیفه نظارت به برجام را داشتند و بعداً لب به سخن گشودند و گفتند در تحقیرآمیز بودن برجام همین بس که «حتی» متن فارسی ندارد، همان زمان لب می‌گشودند و،... امروز ما به جای اقتصاد وابسته به برجام و دلار و ویارکدخدا، اقتصادی مقاوم، درون‌زا و برون نگر داشتیم. چندین پتروشیمی تأسیس کرده بودیم و به جای خام فروشی، صدها محصول نفتی را خودمان تولید می‌کردیم و به هرکس که می‌خواستیم و پول بیشتری می‌داد می‌فروختیم.**

**اگر به جای حاشیه سازی و تصفیه حساب سیاسی با رقبا و انتقام از منتقدین و تمسخر گذشتگان و تنبلی به کار و وعده‌های خود می‌پرداختند و اگر به جای استفاده از مدیرانی که پاسخگویی خود را با عبارت بی‌ادبانه «همین است که هست» عوض کرده‌اند و مدیران دوتابعیتی که ارادتی به ایران ندارند و ایرانی بودن خود را با تعهد به اجنبی، حراج کرده اند، مدیران شرافتمند ایرانی انتخاب می‌شد و به جای زَنِ بر تو و مفتخوری، ساکت و سر به راه بودن، فعالیت در ستاد انتخاباتی و...، لیاقت و توانایی، شرط سپردن میز مدیریتها باشد و اگر ناظران و قانونگذاران به وظیفه نظارتی خود عمل کنند و مصوبات، به جای راهروها و لابی‌ها در صحن، صورت گیرند و اگر در قیام و قعودها، قبر و قیامت به یاد آید، نه پول و پیشنهاد و اگر دولت و مجلس، خدای نخواسته با منافع اصلی ملت و میهن با شیوه گازانبری رفتار نکنند و پشت به پشت هم دهند و همت کنند و وطن را بسازند و قوه قضائیه هم بدون مماشات و اغماض، احکام عادلانه و بازدارنده را به سرعت صادر کند و... و انتخابات در راه است. اگر مردم برای رسیدن به چنین دولت و مجلس انقلابی، اقدام کنند، آمریکا با یک گله گاوشیرده و یک لشگر توله مار تروریست و هزار ترامپ قماربازِ، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.**

بقیه در صفحه ۱۰

گزارش خبری تحلیلی کیهان

# سقوط نرخ دلار
# پس از شلیک موشک، حکم اعدام و تعویق FATF

سرویس سیاسی- **روز یکشنبه لایحه استعماری FATF به صحن علنی مجلس نرسید و صبح دیروز خبر هدف قرارگرفتن مواضع فرماندهان داعش با موشک‌های نقطه‌زن و پهپادهای ایران و همچنین حکم اعدام سه اخلالگر اقتصاد کشور و اسامی آنها منتشر شد که می‌توان این سه را نماد «دیپلماسی عزتمندانه»، «مبارزه قاطع با مفسدان و نفوذی‌ها» و «اقتدار دفاعی کشور» نامید که توجه بیشتر به این مثلث جزیره آرامشی را پدید می‌آورد برای اقتصادی که در تلاطم‌ها راه طی می‌کند.**

در پی افزایش اختیارات بانک مرکزی برای کنترل بازار، روز گذشته روند کاهشی قیمت ارز و سکه شدت گرفت و نرخ دلار و سکه با کاهش قیمت محسوسی مواجه شد.

پس از افزایش سرسام آور نرخ دلار و سکه در هفته گذشته که ارقام بسیار بالایی را تجربه کردند، چنانچه قیمت سکه تا حدود پنج میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و قیمت دلار هم تا ۱۹ هزار تومان هم بالا رفته بود؛ با شروع هفته جاری، روند افزایشی گذشته متوقف شد.

بر همین اساس طی چند روز اخیر هم روند نزولی نرخ‌های ارز و سکه آغاز شده و دلار حتی تا دقایقی به زیر ۱۶ هزار تومان هم رسید؛ در پی آن قیمت سکه هم رو به کاهش گذاشت و در کانال چهار میلیون و ۷۰۰ هزار تومان قرار گرفت که امیدواریم این روند در روزهای آتی ادامه داشته باشد.

در خصوص علت این کاهش قیمت، گفته می‌شود اختیارات جدیدی که به بانک مرکزی داده شده توانسته این اثر مثبت را ایجاد کند؛ طبق خبری که از دولت بیرون آمد، بانک مرکزی از طریق بانک‌ها و صرافی‌های مجاز در بازار ارز مداخله خواهد کرد و اقدامات لازم برای کنترل نرخ ارز انجام خواهد داد و قیمت مبادله در بازار ارز را نیز به‌نحو مقتضی اطلاع‌رسانی خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، از سوی دیگر بانک مرکزی طی روزهای اخیر و همزمان با اوج‌گیری قیمت انواع ارز در بازار آزاد اعلام کرده بود که از این هفته ارز خدماتی را از طریق نظام بانکی در اختیار مردم قرار می‌دهد.

برهمین اساس هم بانک مرکزی ۱۱ بانک را مسئول توزیع ارز خدماتی بین مردم کرد؛ از همین رو بانک‌های ملی، ملت، تجارت، سپه، صادرات، کشاورزی، توسعه، صادرات، اقتصاد نوین، پارسیان، سامان و پاسارگاد مسئول توزیع ارز خدماتی هستند.

در همین جهت، بازاری‌ها می‌گویند: همان مردمی که صف می‌بستند برای خرید دلار ۱۹ هزار تومانی الان آمده‌اند دلارهایشان را بفروشند.

فعالان بازار با اشاره به عدم خرید ارز در این بازار می‌گویند: الان هیچکس خریدار نیست و به همین دلیل همینطور نرخ لحظه‌ای کم می‌شود.

یک فعال بازار با اشاره به اُفت شدید قیمت ارز گفت: با شروع ارزانی، همان افرادی که صف خرید بسته بودند الان فروشنده شده‌اند. این افراد عادت کرده‌اند که گران بخرند و ارزان بفروشند و حالا که ضرر کرده‌اند به طور حتم تعداد زیادی از این افراد راهی بیمارستان خواهند شد!

### اقتدار دفاعی و عمق استراتژیک

کشورهای صنعتی دنیا و یا به عبارتی سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) و آمریکا به همراه کشورهای دیگری مانند روسیه، چین، ژاپن و... هر سال در بودجه کشورشان مبالغی هنگفت را به موضوع‌های دفاعی (اعم از تحقیقاتی-پژوهشی و ساخت و تولید جنگ‌افزار) اختصاص می‌دهند.

شاید این سؤال برای بخشی از جامعه پیش آمده باشد که چرا برای مسائل دفاعی هزینه می‌کنند یا می‌کنیم؟ شاید بتوان این را با چیزی مانند بیمه خودرو قیاس کرد. افراد هر ساله هزینه می‌کنند برای بیمه تا خود و خانواده را در زمان احتمالی بروز حادثه از عواقب بزرگ و گاه غیرقابل جبران حفظ کنند و به سبب بیمه هزینه‌های کمتری به خانواده تحمیل شود. به همین واسطه افراد بسیاری معتقد هستند که مبالغی که برای بیمه پرداخت می‌شود را نباید در شمار هزینه‌های خانواده محسوب کرد بلکه آنها نوعی پس‌انداز هستند.

تمام آنچه گفته شد درباره مسائل دفاعی کشور نیز صادق است. کشور برای ساخت تجهیزات نظامی و دفاعی هزینه می‌کند تا قدرتمند شده و کسی حتی فکر تجاوز به این مرز و بوم را در سر نپروراند. آنها که این عصر را عصر گفتمان می‌نامند در توهم مزمن گرفتار هستند. چرا که شناخت کافی از عصر مدرن ندارند که بر پایه تفکرات اروپایی و یا غربی پس از رنسانس بنا شد. یکی از مهمترین بسترهای این عصر را تفکرات کسی مانند داروین شکل داده است. تفکر داروین یا داروینیسم بنیان‌های فاشیسم آلمانی را محکم کرد و بستر عصر مدرن را شکل داد. یکی از مهمترین تفکرات او «تنازع بقا» است. او با این تئوری زورگویی قدرتمندان و قلدران عالم را تئوریزه کرد به این مفهوم که در طبیعت حیوان قوی‌تر به واسطه قدرتش زنده می‌ماند و ضعیف قربانی می‌شود، جامعه بشریت نیز از این قائده مستثنی نیست. در چنین دنیایی سخن گفتن از گفتمان عین سهل‌اندیشی است.

تا به حال از خود پرسیده‌اید که چرا شبکه‌های فارسی‌زبانی مانند صدای آمریکا (VOA) یا شبکه انگلیسی بی‌بی‌سی فارسی و بسیاری از شبکه‌های ریز و درشت و سایت‌های مختلف که عمدتا از منابع آمریکایی، انگلیسی، صهیونیستی و حکام مرتجع منطقه (آل‌سعود و امارات) تغذیه می‌شوند دائم علیه موضوعات دفاعی کشور به حاشیه‌سازی می‌پردازند و یا علیه عمق استراتژیک ایران؟

چرا این شبکه‌ها که هزینه‌های دفاعی کشورهایشان گاه از کل بودجه سالانه ایران بیشتر است چنین سخنانی را مطرح می‌کنند؟ یا آنها که از آن سر دنیا آمده‌اند و تنها در این منطقه ده‌ها پایگاه نظامی دارند علیه عمق استراتژیک ایران جنجال‌آفرینی می‌کنند؟

پاسخ این سؤال‌ها خود می‌تواند موضوع یک کتاب یا پایان‌نامه باشد اما در کوتاه‌ترین شکل باید در پاسخ آن گفت: ثبات هر کشور که اقتصاد نیز یکی از لوازم آن است به صورت مستقیم با قدرت نظامی و توان بازدارندگی در ارتباط است. تنها یک نمونه کاملا دم دستی آن حمله پهپادی انصارالله یمن به فرودگاه بین‌المللی دبی است. این حمله به طور مستقیم با تعطیل شدن پروازهای این فرودگاه برای ساعات طولانی بر اقتصاد این کشور اثر می‌گذارد و به صورت غیرمستقیم به سبب ضعف دفاعی این کشور و با ترسی که در دل صاحبان سرمایه می‌افکند. اگر این کشور از نظر دفاعی و توان بازدارندگی جایگاهی داشت و می‌توانست جلوی این حمله را بگیرد قطعا آسیب‌هایی که به سبب آن به این کشور وارد شده یا می‌شود بسیار کمتر می‌بود یا اصلا رخ نمی‌داد.

### مبارزه موثر با فساد و نفوذ

اعلام حکم صادر برای مفسدان اقتصادی و اخلالگران بازار ارز را می‌توان نمادی از مبارزه موثر با فساد و نفوذ دانست.

معمولا فساد حاصل زیاده‌خواهی و منفعت‌طلبی نادرست افراد و نفوذ حاصل اراده جمعی است برای کسب اطلاعات یا قرار دادن روال اداره و تدبیر امور جاری کشور در مسیر نادرست. عده‌ای از ناهماهنگی بین دستگاه‌ها و روزنه‌های ایجاد شده سوءاستفاده کرده و ممکن است قصد ضربه زدن به نظام را داشته باشند. عده‌ای نیز فقط اخلال ایجاد می‌کنند تا به مقاصد خود برسند. اما نتیجه عمل آنها تقریبا یکی است: (اینجا که بحث اقتصادی است) آسیب دیدن نظام اقتصادی یا پولی کشور و به تبع آن افزایش فشار بر مردم.

به همین دلیل تا با فساد و نفوذ به صورت قاطع و بدون مماشات و مصلحت‌اندیشی‌های ناصواب برخورد نشود اولا عامل بازدارنده‌ای در برابر دیگرانی که این اقدامات در آینده میل خواهند کرد ایجاد نکرده‌ایم و دوم اینکه جلوی پیشرفت این بیماری را در بخش‌های مختلف جامعه نگرفته‌ایم.

در همین راستا معاون اول قوه قضائیه از محکومیت ۳۲ نفر به حبس و ۳ نفر به اعدام خبر داد. این سه نفر محکوم به اعدام عبارتند از: وحید مظلومین، متهم سابقه‌دار بازار سکه؛ محمداسماعیل قاسمی و باقری درمنی.

غلامحسین محسنی اژه‌ای ظهر دیروز گفت: درباره مبارزه با مفسدان اقتصادی نخستین خبر این است که در دادگاه‌های ویژه‌ای که در تهران تشکیل شده است؛ ۳۵ نفر محکوم شدند که از این تعداد سه نفر به عنوان مفسد فی‌الارض به اعدام محکوم شدند که البته حکم آنها غیر قطعی است و اگر برود دیوان عالی کشور تعیین کند؛ اجرایی خواهد شد.

وی افزود: اما در دادگاه بدوی این سه نفر محکوم به اعدام شدند؛ ولی بقیه نیز محکوم به حبس شدند؛ البته ممکن است انفصال و رد مال نیز داشته باشند. برخی از آنها به ۲۰ سال و ۱۰ و یا ۱۲ سال و پایین‌تر محکوم شده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

## انگشت!

گفت: سپاه با شلیک ۶ موشک نقطه‌زن به محل استقرار تروریست‌های داعش در شرق فرات و بمباران داعشی‌ها با پهپاد، گوشمالی سختی به آنها داد.

**گفتم: انصارالله یمن هم فرودگاه بین‌المللی دوبی را به موشک بست و خسارت و تلفات مالی فراوانی به این فرودگاه وارد کرده و آن را به تعطیلی کشاند.**

گفت: دستگاه قضایی هم حکم مجازات ۳۵ تن از اخلالگران در بازار ارز را صادر کرد و ۳ تن از مفسدان اقتصادی را به اعدام محکوم کرد.

**گفتم: پس آمریکا و اسرائیل و آل‌سعود و امارات حق دارند که عزا بگیرند! چون همه پادوهای داخلی و منطقه‌ای آنها دارند لت و پار می‌شوند.**

گفت: ایول...

**گفتم: از یارو پرسیدند؛ فلانی چرا مرد؟ گفت؛ انگشتش رفت زیر تریلی ۱۸ چرخ! گفتند؛ اینکه باعث مرگ نمی‌شود! گفت؛ آخه انگشتش توی دهنش بود!**

**پرویز اسماعیلی در تشریح جزئیات سفر نیویورک**

## رؤسای جمهور ایران و آمریکا و هیئت‌های همراه هیچ مواجهه‌ای نداشتند

**معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری که یکی از مسافران سفر نیویورک بوده با بیان جزئیاتی از این سفر و همچنین پاسخ به برخی شایعات و حواشی مربوط به آن پرداخته و گفت: روسای جمهور ایران و آمریکا و هیئت‌های همراه هیچ مواجهه‌ای نداشتند.**

پرویز اسماعیلی در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به این سؤال که «امسال چه تعداد درخواست از سوی سران کشورهای دنیا برای ملاقات با رئیس‌جمهوری مطرح شد؟ » گفت : امسال تعداد بسیار بیشتری درخواست برای ملاقات با رئیس‌جمهوری مطرح شد؛ البته درخواست‌هایی نیز از سوی ما برای دیدار با سران برخی کشورها مطرح شد که در نهایت ۱۷ دیدار انجام شد.

وی در رابطه با گمانه‌زنی‌ها برای دیدار روحانی با ترامپ نیز گفت : همان طور که آقای روحانی در نخستین مصاحبه خود در نیویورک تصریح کردند ایران هیچ درخواستی برای مذاکره با آمریکا مطرح نکرده است. یکی دیگر از مشکلات آقای ترامپ و دولت ایشان آن است که تمرکزی در بیان سیاست‌های خود ندارد؛ مثلا آقای ترامپ زمانی می‌گوید برای مذاکره با ایران هیچ پیش‌شرطی ندارد، اما کمتر از یک ساعت بعد، وزیر خارجه او ۱۲ شرط برای مذاکره با ایران تعیین می‌کند. اظهارات اخیر ترامپ در جلسه شورای امنیت نیز از دیگر مصادیق متمرکز نبودن ترامپ در بیان سیاست‌هایش است.

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری افزود : از دیگر نکات قابل توجه در سفر اخیر رئیس‌جمهوری به نیویورک آن بود که در دیدارهای رئیس‌جمهوری با نخبگان رسانه‌ای و سیاسی و همچنین مصاحبه‌های اختصاصی با رسانه‌های خارجی، دیدار روسای جمهور ایران و آمریکا با یکدیگر محور اصلی و ترجیع‌بند مباحث مطرح شده، بود؛ این نشان می‌دهد که این موضوع در افکار عمومی آمریکا خیلی مورد توجه قرار دارد و این دیدار بیشتر از آنکه نیاز ما باشد، نیاز آمریکا است.

وی گفت : امسال هیچ مواجهه‌ای در سطح روسای جمهور ایران و آمریکا و هیئت‌های آنها صورت نگرفت.

خبر ویژه

## آفتاب یزد: دولت بی‌میل نبود که ارز گران شود

رئیس کمیته بازنگری قراردادهای نفتی می‌گوید دولت بی‌میل نبود قیمت ارز افزایش پیدا کند.

روزنامه آفتاب یزد از قول سیدمهدی حسینی نوشت: اعتقاد بنده بر این است که دولت خودش نیز در این مسئله افزایش قیمت ارز نقش داشت و به نوعی شروع‌کننده افزایش نرخ ارز بود و لااقل نسبت به آن بی‌میل نبود و البته شاید کمی حساب‌نشده وارد این معقوله شد و شاید به دلیل گرفتاری‌های مالی که دولت داشت و به دلیل کسری بودجه قابل توجه گوشه‌چشمی به این اضافه درآمد ارزی نیز داشت. پیش از این هم چنین روش‌هایی مسبوق به سابقه بوده به عنوان مثال زمانی ممکن است بانک‌ها از افزایش نرخ ملک استقبال کنند تا نرخ اموال مازاد و وثایق ملکی که در گرو بانک‌ها است افزایش یابد و نتیجه آن در ترازنامه بانک انعکاس یابد. به همین جهت ممکن است بخواهند با تعدیل نرخ ریال در برابر دلار بخشی از بحران‌های مالی که در بخش بدهی‌های بانکی، مسکن و بازنشستگی وجود دارد را پوشش دهند که البته به‌زعم بنده دولت درست وارد این بحران نشده است و مشکلاتی به وجود آمد.

این مدیر صنعت نفت کشور در ادامه افزود، قطعاً افزایش قیمت دلار به معنای افزایش درآمد دولت است و این نتیجه طبیعی از این مسئله استنباط می‌شود، دولت نیز مانند هر صادرکننده دیگری ممکن است تمام یا بخشی از دلار حاصل از فروش نفت را در بازارهای داخلی عرضه نماید، دولت هم درآمدش را به ریال تبدیل می‌کند و مانند هر صادرکننده دیگری از افزایش نرخ دلار سود می‌برد. صادرکنندگان ما برنده اصلی افزایش نرخ دلار بودند مانند پتروشیمی‌ها، مانند فولادی‌ها و دولت نیز به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده کشور در راس این صادرکنندگان بیشترین نفع را برده است. این البته یک بعد قضیه است و ابعاد دیگر قضیه البته آثار این مسئله بر همه اعضاء و جوارح کشور است که مسئولیت آن بیش از همه برعهده دولت است.

حسینی در مورد تزریق ارز پتروشیمی‌ها به صورت قطره‌چکانی و تلاش آنها برای گران کردن کالایشان که تاثیر بسیاری بر بازار گذاشته است گفت: پتروشیمی‌ها در حال حاضر درآمد ارزی بسیار خوبی دارند و این ارزها را باید بیاورند در داخل کشور. خوراکی که پتروشیمی‌ها می‌گیرند مستقیم از وزارت نفت خریداری می‌شود، اگر قرار باشد که پتروشیمی‌ها با نرخ ۳۸۰۰ تومان و ۴۰۰۰ تومان خوراک بخرند و آن را با نرخ دلار آزاد در بازار عرضه کنند که این منطقی نیست، وزیر نفت می‌تواند به جای عزل مدیران، خوراک آنها را با نرخ آزاد و یا لااقل بیشتر تامین نماید، مستحضرید این پتروشیمی‌ها که در حال حاضر خصوصی شده‌اند بعضاً بسیار قوی و بانفوذ هستند و مبارزه با آنها کار راحتی نیست. این رانت بزرگی که شامل حال صنایع پتروشیمی شده است، آنها به راحتی از آن نمی‌گذرند و وزارت نفت کار سختی در پیش دارد.

## لطفاً نگردید کارنامه این وزیر قابل رصد نیست!

پرونده عملکرد وزیر راه و شهرسازی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، یک پرونده ویژه در زمینه ناکارآمدی و بی‌تفاوتی است.

روزنامه وطن امروز ضمن مرور کارنامه عباس آخوندی نوشت: او علاوه‌بر آنکه در دولت سازندگی، وزیر مسکن و شهرسازی بوده است، از سال ۸۹ تاکنون عضو شورای مرکزی نظام مهندسی بوده، در مقطعی ریاست بنیاد مسکن را عهده‌دار بوده و حالا ۶ سال است در دولت روحانی مجددا وزیر راه‌وشهرسازی شده است. مسکن‌مهر را «مزخرف»، «فاجعه‌آفرین»، «شهربرانداز» و «پوپولیستی» دانست.

آخوندی می‌گفت، مسکن‌مهر، «قفس‌های انسانی» است و اقتصاد را از ریل خارج کرده است. و سرانجام مدعی شد: «مسکن مهر بزرگ‌ترین مداخله و شکست دولت در حوزه مسکن در تاریخ ایران بود». تغییر مواضع وزیر راه‌وشهرسازی البته منحصر در حوزه مسکن نیست. آخوندی در دولت یازدهم پس از گوشزد کردن معایب بسیار مسکن‌مهر، به نمایندگان مجلس قول داد طرحی با عنوان مسکن اجتماعی را جایگزین آن کند. طرحی که ظاهرا هنوز قرار نیست ما شاهد افتتاح نخستین واحد آن هم باشیم.

این در حالی است که کارشناسان بازار مسکن می‌گویند با توجه به جمعیت قریب ۱۴ میلیونی جوانان در آستانه ازدواج، برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده مسکن در سال‌های آینده، تولید یک میلیون مسکن در هر سال ضروری است! آخوندی اما می‌گوید مسکن به اندازه کافی داریم و قریب ۲/۶ میلیون واحد مسکونی خالی در کشور وجود دارد، لذا نیازی به ساخت مسکن توسط دولت نیست. بر همین اساس، مجلس قانونی را برای اخذ مالیات از خانه‌های خالی تصویب کرده و اجرای آن را به وزارت راه‌وشهرسازی سپرده است. با وجود گذشت چند سال از نهایی و ابلاغ شدن این قانون اما وزارت آخوندی هنوز سامانه اخذ مالیات در خانه‌های خالی را راه‌اندازی نکرده است.

چنانکه یکی از رسانه‌های اصلاح‌طلب می‌نویسد، آخوندی بیش از آنکه درگیر کار اجرایی باشد، مشغول نظریه‌پردازی و نوشتن مقالات سیاسی در رسانه‌ها بوده است.

معاون جناب آخوندی گفته است ۶۱ درصد مردم اجاره‌نشین هستند. سؤال اینکه آیا چنانکه آخوندی می‌گوید دولت در تامین سرپناه برای این اقشار هیچ وظیفه‌ای ندارد؟ مگر نه اینکه همین افراد ولی‌نعمت اصلی امثال عباس آخوندی هستند و امثال او برای برداشتن بار زندگی از دوش آنها نباید سر از پا بشناسند؟ حالا وزیر مملکت راست راست از لیبرالیسم دفاع می‌کند. وزیری که معتقد است تامین خانه برای مردم، وظیفه او نیست!

مرکز پژوهش‌های مجلس که از قضا مدیریت آن با یکی از حامیان دولت است، بهمن‌ماه ۹۶ در گزارشی، ۲۰ تکلیف اجرایی وزارت راه طبق اساسنامه آن را فهرست کرده، به بررسی عملکرد عباس آخوندی در هر کدام از این ۲۰ حوزه پرداخته است. نکته تکان‌دهنده گزارش این است که کارنامه جناب وزیر چنان پر از خالی بوده که در مقابل هر ۲۰ ردیف وظایف قانونی وی، جمله «قابل رصد نیست» درج شده است! این نهاد تخصصی، در نهایت در جمع‌بندی گزارش عملکرد عباس آخوندی، صراحتاً اعلام کرده وی در ۴ سال نخست وزارتش، هیچ‌یک از تکالیف قانونی وزارت راه‌وشهرسازی را انجام نداده است. مجلس اما تاکنون ۳ بار با استیضاح همین فرد مخالفت کرده است!

## روایت روزنامه اصلاح‌طلب از تسویه حساب دو حزب دولتی

«مبادله دو بیانیه تندیسان حزب کارگزاران و حزب اعتدال وتوسعه، مبارزه‌ای جدی برای تعیین مرد اول دولت است.»

روزنامه اصلاح‌طلب هفت صبح با درج این مطلب نوشت: یک توئیت در صفحه علیرضا خامسیان، روزنامه‌نگار منتشر شد که می‌گفت فروپاشی اعتدال و توسعه آغاز شده است چرا که سه عضو ارشد شورای مرکزی این حزب، یعنی اکبر ترکان،مرتضی بانک و فاطمه هاشمی از حضور در این حزب، استعفا داده‌اند.

با این حال به فاصله چند ساعت، این خبر تکذیب شد. اول غلامعلی دهقان، عضو شورای مرکزی حزب به یک کانال تلگرامی (راهبرد) پیام داد که همین هفته گذشته در جلسه شورای مرکزی دو تن از این سه نفر حضور داشتند و بعد از آن اکبر ترکان و فاطمه هاشمی در مصاحبه‌های جداگانه‌ای این موضوع را تکذیب کردند.

اما چرا این موضوع می‌تواند مهم باشد؟ به دو دلیل این موضوع مهم است: نخست اینکه فرد منتشرکننده خبر یعنی خامسیان، مشاور رسانه‌ای محمدرضا عارف است. رئیس فراکسیون امید و نیز رئیس شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان خوشحالی او از فروپاشی اعتدال و توسعه، می‌تواند پالسی باشد از یک اتفاق بزرگتر.

دوم اینکه حزب اعتدال و توسعه حزبی است که بیشترین نزدیکی با دولت را دارد. در حال حاضر دبیر کل این حزب یعنی محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه است و محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس جمهور و نیز علی جنتی، سرپرست نهاد ریاست جمهوری عضو شورای مرکزی آن اکبر ترکان، دبیر سازمان مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هم عضو دیگری از شورای مرکزی این حزب است. در عین حال اعتدال و توسعه از بدو تأسیس، فرزند معنوی حسن روحانی بوده است.

اما این اتفاق یک روز بعد از بیانیه تند شاخه جوانان و دفتر سیاسی حزب اعتدال و توسعه علیه حزب کارگزاران سازندگی روی‌داد. حزب کارگزاران که نزدیک به اکبر هاشمی است و غلامحسین کرباسچی، دبیر کل آن بیانیه‌ای داد درباره حضور رئیس‌جمهور در مجلس و در آن صراحتاً نوشت که رئیس‌جمهور باید رئیس سازمان برنامه و بودجه را تغییر بدهد در این بیانیه آمده بود: با وجود آنکه انتظار می‌رفت در دولت دوم دکتر روحانی هماهنگی و کارآمدی ستاد اقتصادی دولت بیشتر شود، اما اصرار بر حفظ رئیس سازمان برن